



راز ماندگاری عید نوروز در دوره ایران اسلامی

- دکتر محمود بشیری
دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده:

این مقاله بر آن است که نشان دهد راز ماندگاری عید نوروز در دوره ایران اسلامی به جهت ویژگی خود عید نوروز و نیز خردمندی و خوش ذوقی ایرانیان در این خصوص است.

یکی از عوامل ماندگاری نوروز این است که صرفاً یک عید و جشن ملی نیست، بلکه یک مراسم دینی است و بنیاد و ماهیتی مذهبی دارد. علاوه بر این، مسأله خلقت و آفرینش جهان و نخستین انسان با عید نوروز و آغاز فصل بهار ارتباطی وثیق دارد، و نیز اعتدال فصل بهار با مسأله ظهور موعود و اجرای قسط و عدل در پیوند است.

کلید واژگان: عید نوروز، خلقت، عدالت.

نوروز یا جشن نوروز، جشن فروردین و بهار، بزرگترین عید ملی ایرانیان است. کشورهای دیگری نیز به تاسی از ایرانیان و فرهنگ ایرانی این روز را همانند آنان گرامی می‌دارند. از جمله این کشورها می‌توان از افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه و برخی از کشورهای عربی و اروپایی یاد کرد.

درباره واژه نوروز، مطابق دستور زبان فارسی دو نظر قابل ارائه است. برخی از اهل زبان آن را اسم مرکب خاص می‌دانند که از واژه نو به معنای تازه و جدید و از کلمه روز تشکیل شده است که به معنای روزی است که سال جدید با آن آغاز می‌گردد. برخی دیگر از اهل زبان این کلمه را اضافه وصفی مقلوب می‌شمارند که جای موصوف و صفت آن تغییر کرده است یعنی ترتیب نوشتاری نوروز را روز نو به معنای روز جدید می‌دانند.

با این حال، نوروز را چه اسم مرکب خاص بدانیم یا کلمه‌ای وصفی، در اصل معنای لغوی آن تفاوتی ایجاد نمی‌شود و هر دو وجه آن به معنای روز تازه و جدید است یا روزی که روز بهار و اول سال جدید با آن آغاز می‌گردد. اما نوروز به معنای اصطلاحی آن بزرگترین عید و جشن ملی ایرانیان است که سابقه‌ای دیرینه دارد و آن را به دوره‌ی شاهان هخامنشی یا پیشتر از آن مربوط می‌دارند. در کتاب مقدس ایرانیان باستان، «اوستا»، که به زبان باستانی به معنای «سخن محکم و استوار» است، اسمی از نوروز نیامده است، لیکن در کتابهای قدیمی دیگر مثل کتاب «بندھشن» که در اواخر دوره ساسانی به صورت «بن هشن» در آمده است و به معنای «اصل، ریشه و منشأ خلقت» است از نوروز سخن رفته است. همین مسأله می‌تواند راهنمای خوبی برای ما باشد تا از این جشن و عید باستانی و ملی تلقی درستی به لحاظ دینی و اعتقادی داشته باشیم. «کتاب بندھشن همان کتاب پهلوی دین آگاسی (آگاهی) است»^۱ و با توجه به این که مسأله نوروز و جشن آن در کتاب بندھشن آمده است و موضوع این کتاب هم مربوط به امر خلقت و آفرینش پدیده‌های این جهان است، به نظر می‌رسد که جشن و عید نوروز با مسأله خلقت و آفرینش ارتباط معناداری داشته باشد.

مجله علمی «بزرگوار» شماره اول، بهار ۱۳۸۵

علاوه بر این، نکته دیگری که در این خصوص گفتنی است، این است که بین مطالب کتاب بندهشن با خطبه اول کتاب مستطاب نهج البلاغه مولای متقیان که درباره توحید، خلقت و آفرینش است، شباهت غیر قابل انکاری وجود دارد، و نیز حکیم زنده ساز سخن پارسی، فردوسی طوسی، حماسه سرای مشهور ایرانی که شاعری شیعی و فرزانه‌ای ایران دوست بود، به نظر می‌رسد که در دیباچه اثر حماسی خود مطالب کتاب بندهشن و خطبه اول نهج البلاغه امام علی (ع) را با هم تلفیق کرده است.^۳ بنابراین، می‌توان گفت که وجه تسمیه نوروز می‌تواند مبتنی بر باور و اعتقاد دینی دیرینه پیرامون مسأله خلقت و آفرینش باشد و همین مسأله یکی از عوامل ماندگاری نوروز در ایران دوره اسلامی است که در ادامه مقاله آن را توضیح خواهم داد.

اما آغاز جشن نوروز در نزد ایرانیان مقارن با ابتدای فصل بهار است و این امر صرف نظر از باورهای اعتقادی و دینی، بیانگر درک و فهم لطیف و جمال شناسی ایرانیان است؛ زیرا در اول بهار، همه چیز در طبیعت در کمال اعتدال و زیبایی خود است و آثار منبع الهی نسبت به دیگر فصول سال در این ایام خودنمایی و جلوه‌گری بیشتری دارد و این آثار همانند «حجله سبز» معرفی است که هر بیننده هوشیاری را به حمد و توحید الهی می‌خواند، و بی سبب نیست که شیخ اجل سعدی شیرازی، در یکی از غزلیات خود درباره ماه فروردین و فصل بهار سروده است:

خیز و غنیمت شمار جنبش باد ربیع ناله موزون مرغ، بوی خوش لاله زار
برگ درختان سبز پیش خداوند هوش هر ورقی دفتر است معرفت کردگار

(سعدی شیرازی، ۱۳۸۰: ص ۴۲۶)

شاعر دیگری از شاعران پارسی که او نیز همانند سعدی، شیخی است از قبیله قبله، درباره عبرت آموزی فصل بهار پیرامون هشیاری و تأملات معنوی انسان سروده است:

گل دفتر اسرار خداوند گشوده است صحرا ورق تازه‌ای از پند گشوده است
آینه عربانی زیبای معانی است این حجله‌ی سبزی که خداوند گشوده است
شور سحر حشر اگر باورتان نیست گل مصحف صد برگ به سوگند گشوده است
تقدیر ادیبانه برهان معاد است فصلی که نسیم از پی اسفند گشوده است

فصلنامه علمی «انگیزه» پایتخت و علوم انسانی شماره اول، شماره اول، پائیز ۱۳۸۵

بر سجده احساس بنفشه است نشانی
تفسیر لطیفی است زپاکی دل کوه
سرشار ز شیرینی شیدایی خویش است
پاک است طرنامه خوشبوی سلوکش

سجاده سبزی که به الوند گشوده است
این چشمه که از چشم دماوند گشوده است
این غنچه که لب را به شکرخند گشوده است
این گل که چنین چهره خرسند گشوده است

(تبسم‌های شرقی، ۱۳۷۸، ص ۳۱)

بدین جهت، انتخاب بهار به عنوان آغاز سال جدید، بیانگر ذوق سرشار و درک زیبای قوم ایرانی است. علاوه بر این، نکته دیگری که قابل ذکر است، مسأله اعتقاد به عدل و عدالت و ارتباط آن با عید نوروز و روز اول سال است. در فصل بهار همه چیز در حد کمال اعتدال است و از اعتدال است که زیبایی امکان ظهور و بروز می‌یابد و اعتدال نیز چیزی جز عدل و عدالت نیست، و در فصل بهار و خصوصاً در روزهای آغازین آن هوا نه گرم است و نه سرد، یعنی هوا نه جور سرمای دی را دارد و نه ستم گرمای تیر و مرداد را، و از همین روست که شکوفه‌های زیبای عدالت در این فصل در گوشه و کنار طبیعت به بار می‌نشیند و حس خشن آدمی را به نرمی و لطافت متمایل می‌سازد. انتخاب روز اول بهار به عنوان آغاز سال جدید بیانگر روح عدالت طلب و اعتدال جوی ایرانی است و فروردین ماه عدل و عدالت است؛ چنان

که یکی از شاعران حق طلب و عدالت جوی ایرانی در همین زمینه سروده است:

چون به نقطه اعتدالی راست گردد روز و شب
روزگار این عالم فرتوت را برنا کند
نرگس و گل را که نایباً شود از جور دی
«عدل پروردین» نگر تا چون همی بینا کند
عدل کن با خویشان تا سبز پوشی در بهشت
عدل زیر اخاک را می‌سبز چون مینا کند
آنچه ایزد کرد خواهد با تو آنجا روز عدل
با جهان، گردون به وقت اعتدال اینجا کند
دشت دیباپوش کرده است اعتدال روزگار
زان همی بر عدلت ایزد وعده دیا کند

(ناصر خسرو، ۱۳۵۷، ص ۳۸۸)

جشن نوروز، مطابق ذوق و نگرش ایرانی، جشن عدالت است و بدین سبب ایرانیان مذهب تشیع را پذیرفته‌اند؛ زیرا که از باورهای مهم اعتقادی و دینی شیعه امامت و عدالت است و این دو امر از هم جدا نیستند و لازم و ملزوم هم هستند و شاهنامه حکیم فردوسی نیز نقطه تلفیق نگرش ایرانی با دیدگاه شیعی پیرامون امامت و عدل است. او در شاهنامه خود درباره سرگذشت پنجاه و سه تن از شاهان ایران از آغاز تاریخ ایران تا سقوط دولت ساسانی سخن گفته و خردمندی و عدل را از

شاهنامه فردوسی را گردآوری و تدوین دکتر ابوالکلام آزاد، شماره اول، پاییز ۱۳۸۵

خصایص مهم امامت و رهبری در فرهنگ باستانی ایران ذکر کرده و در همه جای شاهنامه بی‌خردی و بیدادگری را نکوهیده است و بدین سبب، شاهنامه او یک «دادنامه» یا «حماسه‌داد»^۴ است. در این خصوص وی در شاهنامه سروده است:

چنین گفت نوشین روان قباد که چون شاه را دل بیچد ز داد
کند چرخ، منشور او را سیاه ستاره نخواند ورا نیز شاه

(شاهنامه، ج ۷، ص ۱۴)

برو تیره شد فرّه ایزدی به کژی گراید و نا بخردی

(همان، ص ۴۹)

اما اگر در کشوری عدل و داد باشد همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها در آن کشور موجود خواهد بود، به طوری که:

از ابر بهاران بیارید نم ز روی زمین رنگ بزدود غم
جهان گشت پرسبزه و رود آب سرغمگان اندر آمد به خواب
زمین چون بهشتی شد آراسته زداد و زبخشش پر از خواسته
جهان شد پر از خوبی و ایمنی زبند بسته شد دست اهریمنی

(همان، ج ۴، ص ۹)

در نزد ایرانیان باستانی، نوروز به دو بخش تقسیم می‌شد که آثار آن نیز هنوز در زمانه ما به گونه‌ای دیگر باقی مانده است. یکی از این دو بخش، موسوم به نوروز عامه است و آن پنج روز بود که از اول بهار آغاز می‌شد تا روز پنجم فروردین ادامه می‌یافت و در این پنج روز، شاهان ایران همه ایرانیان را در کاخهای خود می‌پذیرفتند و از آنان پذیرایی می‌کردند و نیازهای نیازمندان را در این مدت برآورده می‌ساختند و درهای زندان را می‌گشودند و زندانیان را می‌رهانیدند و این امر در شعر برخی از شاعران فارسی انعکاس یافته است؛ چنان که مولانا جلال‌الدین بلخی در یکی از اشعارش به این نکته اشاره کرده و گفته است:

باز آدم چون «عید نو» تا قفل زندان بشکنم وین چرخ مردم خوار را چنگال و دندان بشکنم

(مولوی بلخی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۶)

علاوه بر این، شاهان در این ایام به مدت پنج روز از تاج و تخت کناره می‌گرفتند و با انتخاب مردم شخصی به عنوان شاه موقت برگزیده می‌شد و به وی

«میرنوروزی» می گفتند و حکم وی تا پنج روز همانند حکم شاه دائمی، نافذ و قابل اجرا بود و این امر هنوز در برخی از مناطق و شهرها و استانهای ایران مثل استان کردستان همانند ادوار پیشین مرسوم است، و این مسأله میرنوروزی نیز در شعر شاعران ایرانی و از جمله در اشعار حضرت لسان‌الغیب حافظ شیرازی آمده و وی در این خصوص سروده است:

سخن در پرده‌می گویم چو گل از غنچه بیرون آید
که پیش از پنج‌روزی نیست حکم میرنوروزی
(دیوان غزلیات حافظ، ۱۳۷۵، ص ۲۶۲)

این پنج روز اول عید را ایرانیان نوروز کوچک یا صغیر می نامیدند^۵ که در روزگار ما هر چند این اصطلاح و عنوان دیگر معمول نیست لیکن آداب آن کماکان مرسوم است؛ زیرا در همین دوران، ما ایرانیان در پنج روز اول فرودین ماه تعطیل هستیم و همانند ایرانیان پیشین به جشن و شادی و دید و بازدید می پردازیم، لیکن بعد از پنج روز، گروهی خاص تا سیزدهم فرودین که در فرهنگ ایرانی این آخرین روز به «سیزده بدر» مشهور است، تعطیل هستند و در جشن‌ها شرکت دارند. در این مدت خوشبختی بین مردم تقسیم می‌شد و ایرانیان این روز را «روز آرزو» هم گفته‌اند. (غلامحسین یوسفی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۲۷۸)

در زمان گذشته نیز در ششم فروردین به بعد را «نوروز خاصه» می نامیدند و خود روز ششم در نزد گذشتگان ما موسوم به «روز خرداد»^۶ بود که در نزد ایرانیان هم روز اول فروردین و هم روز ششم آن بسیار ارجمند شمرده می‌شد و در زمانه ما بدون آن که ایرانیان علت آن را بدانند، این ایام را عزیز می‌دارند.

گرامی بودن روز اول فروردین بدین سبب بود که به اعتقاد قدمای ما خداوند تعالی در این روز جهان و هستی را آفرید و هفت سیاره مدبّر را نیز که در نزد قدمای مشهور به «آبای علوی» یا پدران هفتگانه آسمانی بود، خلق کرد و به واسطه تأثیر این هفت سیاره یا پدران هفتگانه بر «امهات اربعه» یا مادران چهارگانه یعنی آب، آتش، خاک و باد که به آنها «عناصر اربعه» نیز می‌گویند و قدرت زاینده‌گی دارند، «موالید ثلاث» یا فرزندان سه‌گانه یعنی جماد، نبات و حیوان پدید می‌آید و با خلقت اینان حیات و زندگی در جهان آغاز می‌گردد و نخستین بشر، حضرت آدم علیه‌السلام یا ابوالبشر نیز در همین روز اول بهار خلق می‌شود و در همین روز که به روز «الست»^۷

.....
ششمین روز عید و عزم است که در ششمین روز عید است
.....
شماره اول، شماره اول، پانزدهم ۱۳۸۵

در فرهنگ اسلامی و دینی مشهور است، خداوند از آدم ابوالبشر و از همه انسانهای نسل او پیمان گرفت که جز خدا را نپرستند و او را از یاد نبرند. در واقع، نوروز روز میثاق انسان‌ها با خدای یگانه است که جز او کسی را خدای خود نگیرند و جز خدا را نپرستند. غزل مشهور حضرت لسان الغیب حافظ شیرازی آن شاعر پر رمز و راز که به «بار امانت» شهرت دارد، مربوط به همین واقعه است که سروده است:

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند
گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند
ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت
با من راه نشین باده مستانه زدند
آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعه کار به نام من دیوانه زدند
(همان، ص ۱۲۱)

این غزل حضرت حافظ در واقع، مربوط به جشن تولد حضرت آدم (ع) نخستین انسان است که خداوند همه فرشتگان را به این جشن تولد فرا خوانده است تا شاهکار خلقت خویش را به لحاظ خلقی و خلقی به آنان بنمایاند که این واقعه نیز مربوط به همین روز اول فروردین است که در نزد ایرانیان موسوم به «نوروز صغیر» یا کوچک و عامه است و بدین لحاظ، ایرانیان هوشمند و خردمند معتقد بودند که با خلقت انسان، موضوع خلقت و آفرینش هستی و جهان نیز پایان می‌یابد و جشن نوروز با این مفهوم خلقت و آفرینش مناسبت تام دارد^۱ و آن جشن خلقت و آفرینش هستی و انسان است.

اما «نوروز خاصه» که از ششم فروردین آغاز می‌شد، بدین سبب گرامی بود که اولاً در این روز بنا به تحقیقات فرزندانگان ایرانی زاد روز خجسته زرتشت پیامبر باستانی ایرانی و صاحب اندرزهای سه گانه گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک است^۲، ثانیاً جمشید از شاهان باستانی و اساطیری ایران - که مسأله جشن نوروز به روایتی به او نیز باز می‌گردد و او به لحاظ شأن و منزلت در فرهنگ باستان و نیز در شعر شاعران ایرانی، هم شأن حضرت سلیمان (ع) تلقی شده و اساساً در ادب فارسی شخصیت این دو تن با هم تخلیط گردیده است^۳ و درستی و نادرستی این سخن مطلبی است که فعلاً مربوط به این مقاله نیست - در این روز بسیاری از مردم روزگار خویش را که به لحاظ دین و آیین، صابنی یا ستاره پرست بودند به آیین ایزد پرستی خواند و بدین سبب این روز را نوروز نامیدند و آن را عید و جشن گرفتند،

و جمشید هم که اسم اصلی وی «جم» بود پس از برقرار کردن نظام زندگی بر اساس عدل و داد، در روز «هرمزد» که آغازش از همین روز ششم فروردین است، بر تخت شاهی نشست.^{۱۱} بر تختی که به گونه‌ای مرصع و تزیین شده بود که چون خورشید یا به زبان قدیمی ایرانیان، «شید» بر آن بتابید، روشنایی از آن درخشید که همگان را به حیرت افکند و از این رو، ایرانیان «جم» را جمشید خواندند و این روز فرخ را نوروز نامیدند. (لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه نوروز، ص ۲۴۱)

نکته‌ای دیگر که مسأله تقدس دینی مربوط به نوروز را مسلم می‌سازد، سخنان مشهور ائمه معصوم (ع) در خصوص آن است که از آن جمله سخن امام جعفر صادق (ع) ششمین امام معصوم شیعیان است که ایشان درباره اهمیت نوروز به یکی از یاران خویش فرموده‌اند که بنا به این روایت، حوادث مهمی در روز اول فروردین رخ داده است که مشهورترین آنها تابیدن خورشید در این روز و وزیدن بادهای باردار و رویش گلها و گیاهان بر روی زمین است و نیز در این روز خداوند در «عالم ذر» از انسانها پیمان گرفت که جز خدای تعالی را نپرستند و به پیامبران الهی ایمان آورند. همچنین در این روز کشتی نوح پس از طوفان بر کوه جودی قرار گرفت و حضرت ابراهیم (ع) بتها را درهم شکست و پایه‌های تخت نمروذ را لرزاند و نیز فرشته وحی، جبرئیل، در این روز بر پیامبر اسلام فرود آمد، و نیز در چنین روزی امام علی (ع) بتهای روی کعبه را به زیر افکند و نابود کرد و حضرت مهدی (ع) در همین روز برای اجرای قسط و عدل الهی قیام خواهد کرد. حضرت امام جعفر صادق در ادامه سخن خویش می‌فرمایند که نوروز از روزهای شیعیان ماست و ایرانیان آن را حفظ کردند و لی اعراب آن را تزیین نمودند. (علامه مجلسی، ج ۵۶، باب ۲۲، ص ۹۲)

در خصوص این که حضرت مهدی (ع) آن قائم داد گستر جهان در روز جمعه اول فروردین ماه که روز عدل و عدالت نیز است، ظهور خواهد کرد، در شعر فارسی شواهدی از آن ذکر شده است و شاعران فارسی شعرهای زیبایی در این خصوص سروده‌اند؛ از جمله مرحوم امام خمینی در دیوان غزلیات خود غزلی زیبا در پیوند روز اول فروردین و انتظار فرج قائم آل محمد (ص) و ظهور حضرت مهدی (ع) (دیوان غزلیات امام خمینی، دفتر نشر آثار، غزل اول) دارد که در خور توجه

است، لیکن در این جا برای رعایت اختصار شعر یکی از شاعران معاصر را درباره همین موضوع به عنوان نمونه ذکر می‌کنم:

فدای عطر «خول‌حالنای» سال تحویلش	نمازی خوانده‌ام دربارش بکریز ترتیلش
پر است از معنی آیات ابراهیم تنزیلش	کلید آسمان در دست مردی می‌رسد از راه
دعاکن هر سحر آستن موسی شود نیلش	زمین هر روز فرعون‌ی دگر در آستن دارد
به گردش کی‌رسد «بهرام‌ورجاوند» با پیش ^{۱۲}	زمان اسب‌سپید مهدی موعود را ماند
به قرآنی که گل کرده‌است از تورات و انجیلش	زمین یک روز در پیش خدا قدر است خواهد کرد

(عشق‌علیه‌السلام، ۱۳۸۴، صص ۳۴-۳۵)

به هر روی، امری که مسلم است ارتباط نوروز با مسأله خلقت و جنبه دینی و اعتقادی آن و نیز پیوند این روز با ظهور و قیام قائم آل محمد (ص) حضرت مهدی (ع) برای اجرای قسط و عدالت الهی است که در شعر بالا این مسأله به خوبی بیان شده است. علاوه بر این، مسأله تقارن و نزدیکی و پیوند باور و اعتقاد ایرانیان دیروز باستانی با اعتقاد ایرانیان امروز دوره اسلامی در خصوص قیام موعود زردتشتی در زمان بهرام ورجاوند و نیز قیام و ظهور مهدی (ع) در دوره اسلامی به زیبایی ارائه شده است که تحقیق و جستجو در این باره در منابع اسلامی و کهن می‌تواند ما را به راز ماندگاری عید نوروز باستانی در دوره ایران اسلامی رهنمون سازد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. شاید نخستین دانشمند و فرزانه ایرانی که در دوره اسلامی درباره نوروز کتابی مفصل نوشته حکیم عمر خیام نیشابوری باشد. «نوروزنامه» خود علت نامگذاری و مبدع نوروز را ذکر می‌کند. مرحوم مجتبی مینوی این کتاب را با واژه‌نامه و اصطلاحات در ۱۳۹ صفحه در سال ۱۳۳۰ شمسی در تهران به چاپ رسانده است. همچنین ابوریحان بیرونی در کتاب «التفهیم» خود در صفحه ۲۳۵ در تعریف و وجه تسمیه نوروز مطالب خواندنی ذکر نموده است و نیز همین فرزانه ایرانی در کتاب «آثار الباقیه» از صفحه ۲۸۰ به بعد روایات متعددی را در باب وجه تسمیه و بر پایی آیین نوروز گردآورده است.
۲. ر.ک: دانشنامه مزدینا، دکتر جهانگیر اوشیدری، نشر مرکز، ۱۳۷۱، ص ۱۷۰.
۳. برای آشنایی بیشتر به هر سه مأخذ مراجعه شود.
۴. ر.ک: حماسه داد، م، جوانشیر، انتشارات توده، ۱۳۶۰.
۵. ر.ک: لغت‌نامه علامه دهخدا، ذیل کلمه نوروز.
۶. ر.ک: دانشنامه مزدینا، همان، ص ۲۵۳، و لغت‌نامه دهخدا، ذیل کلمه نوروز.
۷. آیه شریفه ۱۷۲ سوره اعراف: الست بربکم. قالوا بلی شهدنا.
۸. ر.ک: دانشنامه مزدینا، ص ۴۵۵.
۹. ر.ک: همان مأخذ، ص ۴۵۵.
۱۰. ر.ک: فرهنگ اساطیر، محمدجعفر یاحقی، انتشارات سروش، ۱۳۶۹، ص ۲۴۷.
۱۱. ر.ک: زین الاخبار یا تاریخ گردیزی، ابوسعید بن محمود گردیزی، تصحیح عبدالحی حبیبی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷، ص ۲۴۱.
۱۲. پادشاهی دادگر از نژاد کیان که در زمان هوشیدر، نخستین موعود زرتشتی که سی سال مانده به پایان سده دهم از هزاره زرتشت ظهور خواهد کرد، به سرکار خواهد آمد و در گسترش داد هوشیدر را یاری می‌کند (ر.ک: فرهنگ اساطیر، یاحقی، همان، صص ۱۳۴ و ۴۵۶).

منابع و مأخذ:

۱. اخلاقی، زکریا، تبسم‌های شرقی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۲. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۳. بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیه.
۴. بیرونی، ابوریحان، التفهیم لاوائل الصناعة التنجیم.
۵. جوانشیر، م، حماسه داد، انتشارات توده، ۱۳۶۰.
۶. حافظ شیرازی، دیوان غزلیات، به کوشش جعفر صادق نژاد، نشر قطره، ۱۳۷۵.
۷. خمینی، امام، دیوان غزلیات، دفتر نشر آثار امام.
۸. خیام، حکیم عمر، نوروز نامه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، ۱۳۳۰.
۹. دهخدا، لغت نامه.
۱۰. سعدی شیرازی، کلیات، تصحیح محمدعلی فروغی، انتشارات افکار، ۱۳۸۰.
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا، گزیده غزلیات شمس، انتشارات جیبی، ۱۳۵۳.
۱۲. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تصحیح ژول مول، انتشارات کتابهای جیبی.
۱۳. قزوه، علیرضا، عشق علیه السلام، تهران، انجمن شاعران ایران، ۱۳۸۴.
۱۴. گردیزی، ابوسعید بن محمود، زین الاخبار یا تاریخ گردیزی، تصحیح عبدالحی حبیبی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار. مطالعات فرهنگی.
۱۶. ناصر خسرو، دیوان اشعار، به کوشش مجتبی مینوی و مهدی محقق، مؤسسه مطالعات دانشگاه مک گیل، ۱۳۷۵.
۱۷. یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر، انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
۱۸. یوسفی، غلامحسین، برگهایی در آغوش باد، ج ۲، انتشارات توس، ۱۳۵۶.